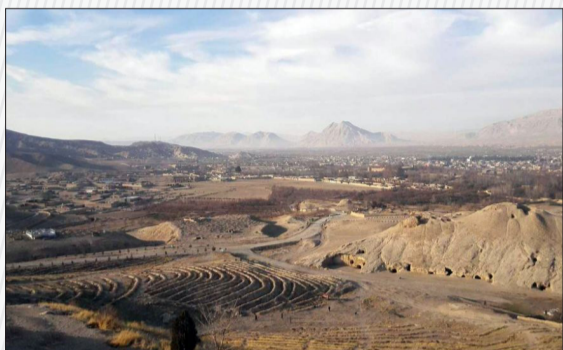




نبود آب آشامیدنی صحتی در سمنگان؛

## روستانشینان از افزایش بیماری‌های ساری شکایت دارند



نبود آب آشامیدنی صحتی یکی از چالش‌های عمده روستانشینان در ولایت سمنگان است. باشندگان ولسوالی‌های این ولایت از سال‌ها به این سو به آب آشامیدنی صحتی دسترسی ندارند. آنان با استفاده از آب ذخیره‌شده در حوض‌ها و کاریزها نیازشان را رفع می‌سازند. روستانشینان این ولایت از افزایش بیماری‌های ساری در اثر استفاده از آب غیرصحتی شکایت دارند و از مسوولان می‌خواهند تا به این معضل همیشه‌گی آنان یک راه‌حل مناسب جست‌وجو کنند.

## آخرین موضع پوتین

جنگ ذاتاً غیرقابل پیش‌بینی است. در واقع، پیش‌بینی‌های گسترده اولیه در مورد سقوط سریع اوکراین غلط ثابت شد. با این حال، به نظر می‌رسد که روسیه به سمت شکست قدم می‌گذارد.



دادخواهی یا باج‌دهی؛

# مردم نگران گفت‌وگوهای پنهان سازمان ملل با طالبان هستند

## ۳۰۰ شهروند آزادشده از زندان‌های پاکستان به کشور برگشتند



۸ صبح، قندهار: منابع محلی در قندهار می‌گویند که زندانیان آزادشده افغانستان از زندان‌های پاکستان، به کشور برگشته‌اند.

این شهروندان افغانستان یک‌شنبه شب، ۱۸ جدی، از مسیر بندر سپین‌بولدک وارد کشور شده‌اند.

برخی از شهروندان آزادشده گفته‌اند که پولیس پاکستان پول و لوازم قیمتی آنان را ضبط کرده و آنان را در زندان مورد ظلم و شکنجه قرار داده‌اند. به گفته منابع، شمار مهاجران آزادشده به ۳۰۰ تن می‌رسد که از این میان ۱۳۰ تن آنان زن و کودکانند.

این شهروندان همچنان گفته‌اند که سه ماه را در زندان سپری کرده‌اند و در این مدت زنان از کودکان‌شان جدا زندانی بوده‌اند. ۵۰۰ شهروند افغانستان که طبق ادعای پاکستان دارای مدارک قانونی سفر به این کشور نبوده‌اند، پس از تلاش‌ها و دادخواهی‌های زیاد اوایل هفته جاری از بند آزاد شدند.

## پس از حاکمیت طالبان نزدیک به دو میلیارد دالر به افغانستان کمک نقدی شده است

در بیانیه تاکید شده است که انتقال این پول برای ادامه فعالیت نهادهای زیرمجموعه سازمان ملل در افغانستان و کمک به ۲۵ میلیون شهروند این کشور ضروری است. همچنان یوناما افزوده است، پول نقدی که در هماهنگی با این سازمان و شرکای آن به افغانستان منتقل می‌شود، به دقت مطابق با قوانین و فرایندهای مالی این سازمان ملل نظارت و بررسی می‌شود.

این در حالی است که امروز یک منبع از بانک مرکزی تحت کنترل طالبان به ۸ صبح تایید کرده که کمک‌های نقدی از نیمه‌های ماه دسامبر به این سو، پس از صدور فرمان منع کار زنان از سوی طالبان، تعلیق شده است. یک روز پیش این بانک در خبرنامه‌ای، گزارش‌ها در مورد قطع کمک نقدی به افغانستان را رد کرده بود.



و همچنین به تعداد کمی از شرکای مورد تایید این سازمان در افغانستان توزیع می‌شود. براساس گفته‌های یوناما، مهم‌ترین دلیل برای انتقال پول نقد به افغانستان اختلال در نقل و انتقالات بانکی بین‌المللی و مسایل نقدینگی بوده است.

۸ صبح، کابل: دفتر نماینده‌گی سازمان ملل در افغانستان (یوناما)، از ارسال حدود ۱.۸ میلیارد دالر کمک‌های نقدی بشردوستانه پس از حاکمیت طالبان بر کشور خبر داده است. این دفتر روز دوشنبه، ۹ جدی، در بیانیه‌ای گفته است که از دسامبر سال ۲۰۲۱، تقریباً ۱.۸ میلیارد دالر پول نقد، برای انجام فعالیت این سازمان و شرکای آن، به افغانستان سرازیر شده است.

در بیانیه یوناما گفته شده که در مورد روش‌ها، زمان‌بندی، تاریخ و مقدار ارسال پول نقد اظهار نظر نمی‌کند، اما افزوده که این پول در اختیار بانک مرکزی افغانستان و مقام‌های طالبان قرار نگرفته است.

طبق معلومات یوناما، تمام پول نقدی که به افغانستان آورده می‌شود در یک بانک خصوصی قرار می‌گیرد و سپس به نهادهای سازمان ملل

پیامدهای ممنوعیت کار زنان؛

## میلیون‌ها تن در قحطی غرق خواهند شد

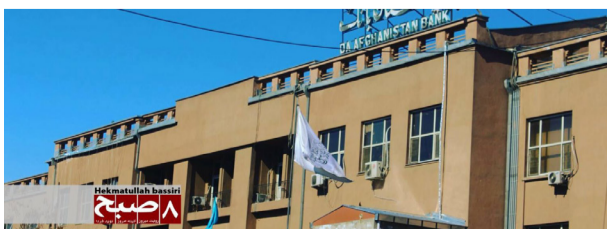


## گرت بیل با دنیای فوتبال خداحافظی کرد



## منابع از بانک مرکزی طالبان: کمک‌های نقدی تعلیق شده است

گفتنی است که با وجود نشر گزارش‌ها از تعلیق کمک‌های نقدی، بانک مرکزی طالبان روز گذشته این خبر را رد کرد.



روز گذشته هیچ بسته کمک نقدی از طریق پروازهای مخصوص انتقال این بسته‌ها به کابل ارسال نشده است.

۸ صبح، کابل: پس از نشر خبرنامه بانک مرکزی طالبان مبنی بر عدم تعلیق کمک‌های نقدی هفته‌وار به کابل، منابع از بانک مرکزی طالبان تعلیق کمک‌های نقدی را تایید می‌کنند.

منابع از بانک مرکزی روز دوشنبه، ۱۹ جدی، به روزنامه ۸ صبح می‌گویند که ارسال بسته‌های پول نقد به کابل تعلیق شده است. به گفته منابع، کمک‌های نقدی از نیمه‌های ماه دسامبر به این سو پس از صدور فرمان منع کار زنان از سوی طالبان تعلیق شده است. منابع تاکید می‌کنند که در بیشتر از ۲۰



## پیامدهای ممنوعیت کار زنان؛ میلیون‌ها تن در قحطی غرق خواهند شد



**۸صبح، کابل:** دبیر شورای پناهنده‌گان ناوری در دومین روز سفرش به افغانستان، پیامدهای ممنوعیت کار زنان را برای میلیون‌ها تن در این کشور، برجسته ساخته است. یان اگلند، دبیر شورای پناهنده‌گان ناوری، روز دوشنبه، ۱۹ جدی، در توییتی پیامدهای ممنوعیت کار زنان را مخرب بیان کرده است. به گفته آقای اگلند، در پی این ممنوعیت از سوی طالبان شش میلیون تن در افغانستان در قحطی غرق خواهند شد. به باور اگلند، بازماندن ۶۰۰ هزار کودک از آموزش

از دیگر پیامدهای ناگوار ممنوعیت کار زنان در افغانستان است. دبیر شورای پناهنده‌گان ناوری همچنان گفته است که در ادامه ممنوعیت کار زنان، دسترسی ۱۳.۵ میلیون تن به آب صحتی قطع و ۱۴.۱ میلیون تن از خدمات محافظتی محروم خواهند شد. این در حالی است که این مقام کشور ناوری روز گذشته از فلج شدن نهادهای امدادرسان ناوری در پی ممنوعیت کار زنان در افغانستان از سوی طالبان، خبر داده بود.

## تحلیل اطاعت بر مردم

در رسانه‌های داخلی مسوولان و حامیان گروه طالبان وقتی با سوال‌های سخت مواجه می‌شوند و می‌دانند استدلال‌شان جایی را نمی‌گیرد، به تاکتیک توجیه امارتی روی می‌آورند. آنان می‌گویند که در فرمان امیرشان حکمت است و دیگر این‌که قاعده امارت اطاعت می‌باشد. حکمت معادل رازهای پشت پرده و استخباراتی است. با ذکر این‌که در فرمان «امیرالمومنین» حکمتی نهفته است، درواقع می‌خواهند بگویند که رهبر طالبان و نزدیکانش اهداف بلندمدتی را در نظر دارند و در روشنایی اتفاقاتی تصمیم می‌گیرند که افراد عادی قادر به درک‌شان نیست. اما کلمه حکمت به‌خصوص در ذهن افراد مذهبی ساده‌دل و جنگ‌جویان طالب می‌تواند مفهوم ماوراءالطبیعی را تداعی کند که بیان‌گر رابطه مرموز بین رهبری طالبان و آسمان باشد، نه اسلام‌آباد و قطر یا واشنگتن. این تاکتیک در جامعه مذهبی افغانستان متأسفانه بی‌اثر نیست. اصطلاح اطاعت، برای بهره‌کشیدن هم‌دستی طالبان و پیروی بی‌چون‌وچرای مادونان از مافوق‌ها است. این کلمه نیز چون در تعریف رابطه بنده‌گی فرد مسلمان با خدای خالقش بسیار و به تکرار شنیده و گفته می‌شود که بار سنگین مذهبی دارد و این‌گونه از اصطلاح مذهبی در محیط سیاسی بهره سوء گرفته می‌شود. درحالی‌که در سیاست، اطاعت زشت است و درواقع سیاست را که میدان رقابت، گفت‌وگو، پرسش‌گری و تلاش برای جلب رضایت و توافق است، از معنا تهی می‌کند. اطاعت در دولت‌داری و سیاست به معنای تعطیلی عقل، تسلیمی و انفعال است. طالبان می‌کوشند با تصامیم، اعمال و تبلیغات خود به مردم افغانستان تمرین اطاعت بدهند. از محدودیت‌های ویران‌گری که طالبان هر روز وضع می‌کنند، شاید توقع نتایج بسیار داشته باشند و مخاطب آن تصامیم نیز تنها مردم افغانستان نیستند. با این‌حال، عادت دادن مردم به فرمان‌بری و اطاعت، بدون شک یکی از آن نتایج است. طالبان می‌کوشند به مردم بفهمانند که اول اطاعت، بعد طلب حق. می‌گویند نخست باید بپذیرید که ما امیریم و هر چه دستور می‌دهیم عین شریعت و دستور الهی است، بعد روی حقوق‌تان صحبت می‌کنیم. در بستن مکاتب و دانشگاه‌ها به‌روی دختران و زنان، به‌روشنی می‌توان این هدف را دید. هرجایی که مردم ایستادند، طالبان در واکنش به آن ایستاده‌گی و عدم اطاعت، محدودیت تازه‌ای وضع کرد. کار به‌جایی رسید که دستور دادند حتا در ناوایی زنانه، مدرسه و مسجد نیز زنان و دختران تا امر ثانی حق حضور ندارند. در این میان دختران زیر سن را نیز به اعتراف خود آن گروه، در بخش‌هایی از کشور خانه‌نشین کردند. دیروز وزیر معارف طالبان مکتوبی صادر کرده و به ادارات زیردستش دستور داده است که مکاتب دخترانه تا صنف شش باز شود و دختران و معلمان با رعایت حجاب شرعی به صنف‌ها حاضر شوند. در مکتوب گفته شده که مسوولان محلی طالبان در شماری از ولایت‌ها، گویا از فرمان مسدود شدن دانشگاه‌ها و مکاتب متوسطه و لیسه به‌روی دختران، تعبیر سوء کرده و مکاتب ابتداییه را نیز به‌روی دختران بسته‌اند و دیگر حق چنین کاری را ندارند. این ادعا اگر راست باشد، حکایت از شاریده‌گی و بی‌نظمی اداره طالبان دارد که در آن هفته‌ها مکاتب از سوی مسوولان محلی بسته می‌شوند، بی‌آن‌که مسوولان مرکزی خبر شوند. این کار چگونه در یک دولت ممکن است اتفاق افتد که وزیر معارف هفته‌ها یا ماه‌ها بعد خبر شود که صدها مکتب به سلیقه مسوولان محلی به‌روی کودکان بسته شده‌اند؟ واقعیت این است که طالبان از آموزش و آزادی‌های زنان و دختران به‌عنوان وسیله سیاسی استفاده می‌کنند. بخشی از این سیاست‌بازی تمرین اطاعت به مردم است. آیا مردمی که به آزاده‌گی شهرت دارد، به اطاعت مطلق تن خواهند داد؟

## محتسبان طالبان در بامیان هفت تن را به دلیل نداشتن ریش دراز بازداشت کردند

**۸صبح، بامیان:** منابع محلی در ولایت بامیان از بازداشت شدن هفت تن به دلیل نداشتن ریش دراز از سوی محتسبان ریاست امر به معروف و نهی از منکر طالبان خبر داده‌اند. یک منبع روز دوشنبه، ۱۹ جدی، در گفت‌وگو با روزنامه ۸صبح می‌گوید که افراد بازداشت‌شده کارمندان ریاست صحت عامه طالبان در بامیان‌اند.

منبع افزوده است: «دو روز پیش هفت نفر از کارمندان ریاست صحت عامه بامیان به دلیل نداشتن و کمبود ریش از سوی محتسبان امر به معروف و نهی از منکر طالبان بازداشت شده‌اند.» طبق اطلاعات منبع، محتسبان ریاست امر به معروف و نهی از منکر طالبان در بامیان به دنبال بازداشت این افراد، به کارمندان دیگر اداره‌های دولتی زیر کنترل این گروه نیز هشدار داده‌اند که اگر مطابق دستور آنان ریش نگذارند، بازداشت خواهند شد.

یک منبع دیگر نیز با تأیید این موضوع می‌گوید که افراد بازداشت‌شده با میانجی‌گری والی و رییس صحت عامه طالبان در بامیان از بند محتسبان ریاست امر به معروف و نهی از منکر این گروه آزاد شده‌اند.

مسوولان محلی طالبان در بامیان تا کنون در این مورد چیزی نگفته‌اند.

قابل یادآوری است که پیش از این نیز محتسبان امر به معروف و نهی از منکر طالبان در بامیان با ایجاد ایست‌های بازرسی در گوشه و کنار شهر بامیان، باعث مزاحمت برای باشندگان این ولایت به‌ویژه زنان و دختران شده بودند.



## شاهراه کابل - غور پس از سه شبانه‌روز به روی ترافیک باز شد



**۸صبح، غور:** مقام‌های محلی طالبان در ولایت غور از باز شدن شاهراه کابل - غور خبر می‌دهند. عبدالواحد حماس، سخنگوی والی طالبان در غور، تأیید می‌کند که شاهراه کابل - غور پس از حدود سه شبانه‌روز، روز دوشنبه، ۱۹ جدی، به روی ترافیک باز شده است.

او تأکید کرده است که این شاهراه پاک‌کاری شده و مسافران گیرمانده نیز نجات داده شده‌اند. شاهراه کابل - غور به دلیل ریزش برف در کوتل بکک به روی ترافیک مسدود شده بود.

روز گذشته منابع در صحبت با روزنامه ۸صبح تأیید کردند که بیش از ۱۵۰ مسافر در این مسیر گیر مانده‌اند.

این شاهراه در حالی به روی ترافیک باز شده است که راه‌های مواصلاتی اکثریت ولسوالی‌های غور به مرکز ولایت تا هنوز بسته است.

شب گذشته نیز یک دختر دوساله به دلیل مسدود بودن راه‌ها پیش از رسیدن به داکتر در ولسوالی لعل‌وسر جنگل این ولایت جان باخت.

## مردی در فاریاب پس از مشاجره لفظی توسط برادرانش کشته شد

**۸صبح، فاریاب:** منابع محلی از فاریاب در شمال افغانستان می‌گویند که مردی در پی تنش لفظی از سوی برادرانش کشته شده است. منابع محلی به روزنامه ۸صبح می‌گویند که این مرد ۳۴ ساله عبدالخلیل نام داشت و عصر روز یک‌شنبه، ۱۸ جدی، در روستای کوهی ولسوالی قیصار از سوی دو برادرش به قتل رسیده است.

به گفته منابع، عبدالخلیل پس از دعوا بر سر زمین با دو برادرش، توسط چاقو کشته شده است. طالبان در فاریاب با تأیید این رویداد از بازداشت عاملان قتل عبدالخلیل خبر داده‌اند. دو روز پیش نیز دو مرد در رویدادهای جداگانه در فاریاب از سوی افراد ناشناس کشته شدند.

### ملا هبت‌الله:

## تعامل ما با جهان براساس شریعت اسلام است

**۸صبح، کابل:** ملا هبت‌الله، رهبر گروه طالبان، گفته است که تعامل این گروه با جهان در روشنایی «احکام شریعت دین مقدس اسلام» است.

وزارت دفاع طالبان روز دوشنبه، ۱۹ جدی، با نشر خبرنامه‌ای به نقل از ملا هبت‌الله گفته است که رژیم این گروه برای تعامل با جهان به‌جز از اسلام هیچ گزینه دیگری را قبول ندارد.

او هنگام دیدار از قول اردوی ۲۰۵ البدر به جنگ‌جویان طالبان گفته است: «شما خود را آماده کنید و احکام شرعی را در ادارات خود اجرا کنید.»

این در حالی است که منتقدان رژیم طالبان سیاست‌های این گروه به ویژه در مورد زنان را براساس اسلام و آموزه‌های اسلامی نمی‌دانند.



## چهار جنگ‌جوی طالبان در قندهار در اثر یک انفجار کشته و زخمی شدند

**۸صبح، قندهار:** منابع محلی از قندهار به روزنامه ۸صبح می‌گویند که در نتیجه یک انفجار در این شهر، سه طالب کشته و یک طالب دیگر زخمی شده است.

منابع می‌گویند که این رویداد ساعت ۶ عصر روز دوشنبه، ۱۹ جدی، در حوزه ۱۴ امنیتی شهر قندهار رخ داده است.

جبهه آزادی با نشر اعلامیه‌ای مسوولیت این انفجار را برعهده گرفته و گفته است که در این رویداد سه طالب زخمی شده‌اند.

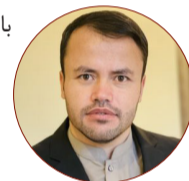
از سوی دیگر، یک منبع موثق از شهر قندهار می‌گوید که از اثر انفجار موثر نوع رنجر طالبان در مقابل ساختمان ولایت قندهار، سه طالب کشته و یک طالب دیگر زخمی شده است.

این منبع می‌افزاید که دو طالب در محل رویداد و یک طالب دیگر هنگام انتقال به شفاخانه جان باخته است.



## دادخواهی یا باج‌دهی؛

# مردم نگران گفت‌وگوهای پنهان سازمان ملل با طالبان هستند



امین کوه

با بسته شدن درب موسسه‌های داخلی و خارجی در افغانستان، سازمان ملل رای‌زنی‌های پنهانی را با سران طالبان در مورد از سرگیری فعالیت نهادهای امدادرسان با حضور زنان آغاز کرده است. منابع در سازمان ملل می‌گویند که گفت‌وگوهای این سازمان با رهبران طالبان جریان دارد و احتمال می‌رود تا یک هفته دیگر طالبان به این نهاد پاسخ روشن بدهند. با این حال، شماری از شهروندان و سیاستمداران کشور به این باورند که طالبان از وضع محدودیت علیه زنان استفاده ابزاری می‌کنند تا جهان را متقاعد بسازند که با گشودن دروازه نهادهای آموزشی و تحصیلی و کار در موسسه‌ها، زمینه به رسمیت شناخته شدن این گروه فراهم شود. شماری از پژوهشگران و فعالان دموکراسی معتقدند که طالبان ظرفیت و نیت تعامل اصولی با جهان را ندارند و مردم افغانستان قربانی «بی‌عرضه‌گی» جامعه جهانی و سازمان ملل متحد شده‌اند.

پس از اعمال این ممنوعیت، سازمان ملل متحد و سایر نهادهای کمک‌کننده، هشدار داده‌اند که منع کار زنان در موسسه‌های داخلی و خارجی بحران انسانی در این کشور را عمیق‌تر، چالش‌های اقتصادی را فراوان‌تر و افغانستان را در نظام بین‌الملل منزوی‌تر می‌کند. منابع آگاه در سازمان ملل به روزنامه ۸صبح تأیید می‌کنند که مارکس پوتزل، سرپرست دفتر هیأت معاونت سازمان ملل متحد در افغانستان، سرگرم رای‌زنی با مقام‌های طالبان است و تا یک هفته دیگر این گروه موضع خود را در قبال کار زنان در موسسه‌های داخلی و خارجی به‌شمول سازمان ملل متحد، مشخص می‌کند. این منبع که نخواست نامش در گزارش درج شود، می‌گوید: «گفت‌وگوها [امین سازمان ملل با طالبان] جریان دارد. احتمالاً تا یک هفته طالبان به این سناریو [تعلیق کار زنان در موسسات] به ملل متحد پاسخ بدهند.»

منبع می‌افزاید: «ملل متحد هنوز با طالبان در مورد کار کردن زن‌ها به توافق نرسیده است. طالبان نه گفته‌اند که زن‌ها در چهارچوب ملل متحد کار می‌توانند، نه گفته‌اند نمی‌توانند. ملل متحد خواستار توافق‌نامه رسمی شده، اما طالبان نپذیرفته‌اند.» به گفته این منبع، «هم‌اکنون کارمندان زن در سازمان ملل متحد از خانه کار می‌کنند و تا ۳۱ جنوری ۲۰۲۳ آمدنشان به دفتر اختیاری است که قضیه روشن شود.»

به گفته این منبع، «بخش کلانی از عملیات امدادرسانی و کمک‌های بشری ملل متحد را سازمان‌های غیردولتی بین‌المللی مانند پاملرنه، کمیته سویدن، محافظت از کودکان و سایر نهادها پیش می‌برند که با تعلیق [کار زنان] فعالیت‌شان عملاً متوقف شده است.»

این منبع تأیید می‌کند که ادامه ممنوعیت کار زنان با برخورد جدی در نهادهای سازمان ملل متحد مواجه شده است. به باور این منبع، شماری از مقام‌های

طالبان در دیدار با سرپرست هیأت معاونت سازمان ملل متحد (یوناما) در موضع‌شان نرمش نشان داده، گفته‌اند که با ایجاد شرایط خاص، از جمله محیط جداگانه برای کار و پوشش متفاوت، دستور ممنوعیت کار زنان لغو خواهد شد.

در همین حال، تابش فروغ، پژوهشگر و فعال دموکراسی، در گفت‌وگو با روزنامه ۸صبح، به این باور است که تجربه گفت‌وگوهای مقطعی جامعه جهانی با طالبان نشان داده است که این گروه ظرفیت و نیت تعامل اصولی با جهان را ندارد. آقای فروغ می‌افزاید: «تجربه گفت‌وگوهای مقطعی جامعه جهانی چه در دور نخست امارت طالبانی و چه اکنون، نشان داده است که این گروه ظرفیت و نیت تعامل اصولی با جهان را ندارد. رهبری طالبان خود را ملزم به رعایت حقوق و قوانین بین‌المللی نمی‌داند و برخورد آن‌ها با جهان در واقع برخورد راه‌زانه و گروگان‌گیرانه است.»

این پژوهشگر و فعال دموکراسی معتقد است که طالبان نگران مشروعیت ملی و بین‌المللی نیستند. به گفته او، طالبان می‌دانند: «به رغم نقض حقوق انسانی و شهروندی نزدیک به ۴۰ میلیون انسان، شماری از حکومت‌های منطقه و غرب همچنان به آن‌ها پول می‌فرستد و از نماینده‌گان‌شان در پایتخت‌های منطقه و جهان استقبال می‌کند.»

آقای فروغ می‌افزاید: «برخورد غیرمسئولانه رهبری یوناما با مسأله افغانستان متأسفانه موثریت تمامی ابزار فشار جهانی بر طالبان را از میان برده است. در مواردی نماینده‌گان یوناما در نقش سخنگویان وزارت خارجه طالبان عمل کرده‌اند. بنابراین، طالبان دلیلی برای کوتاه آمدن از خواست‌های حداکثری‌شان را در هیچ گفت‌وگویی نمی‌بینند.»

به گفته این پژوهشگر و فعال دموکراسی، گفت‌وگوهای سری و غیررسمی با طالبان این گروه را همچنان تشجیع خواهد کرد. مردم افغانستان هم‌زمان قربانی لجاجت طالبان و بی‌عرضه‌گی جامعه جهانی، به‌ویژه سازمان ملل متحدند.»

از سوی دیگر نصیراحمد فایق، سرپرست نماینده‌گی دائمی افغانستان در سازمان ملل متحد، در صحبت با روزنامه ۸صبح می‌گوید: «یوناما براساس مأموریت یا Mandate خود مسوولیت دارد با طالبان وارد گفت‌وگو شود و پیام‌های کشورهای عضو ملل متحد و جامعه جهانی را برساند. ظاهراً آقای پوتزل همین کار را انجام می‌دهد؛ ولی در قسمت به رسمیت شناختن هرگز مأموریت ندارد. زیرا پیام‌های کشورهای عضو ملل متحد و جامعه جهانی در این رابطه مشخص است که آن‌ها با این شیوه و رویکرد طالبان، هرگز آماده به رسمیت شناختن نیستند و اگر تعامل هم می‌کنند صرف به‌خاطر کمک‌های بشری و رساندن آن به مردم افغانستان می‌باشد.»

با این حال، ویس احمد برمک، وزیر امور داخله حکومت پیشین و یکی از کارمندان سابق سازمان ملل متحد، در صحبت با روزنامه ۸صبح می‌گوید: «از نظر من و تا جایی که من اطلاع دارم، گفت‌وگوها جریان دارد، ولی به کدام نتیجه مطلوبی که ما و جامعه جهانی توقع داریم، نمی‌رسد. طالبان تصمیم خود را گرفته‌اند و از آن عقب نمی‌روند با تأسف، مگر این‌که کدام معجزه کنند.»

در همین حال، دکتر عالمه، فعال سیاسی و معین امور حقوق بشر و جامعه مدنی وزارت دولت در امور صلح حکومت پیشین، در پیوند به رای‌زنی‌های سازمان ملل متحد با طالبان در صحبت با روزنامه ۸صبح می‌گوید که تلاش‌های سازمان ملل و سایر نهادهای کمک‌کننده، نباید به بازگشایی دروازه‌های انجوها به‌روی زنان اختصاص و تقلیل داده شود.

معین امور حقوق بشر وزارت دولت در امور صلح حکومت پیشین تأکید می‌کند که سازمان ملل متحد در آغاز که طالبان به زنان کارمند در اداره‌های دولتی گفتند: «به جای‌تان برادرها یا شوهران‌تان را بفرستید» به میزان ممنوعیت کار در موسسات واکنش نشان نداده‌اند. او تصریح می‌کند که برای همه سوال است که چرا ممنوعیت کار در نهادهای دولتی باعث نشد تا جامعه جهانی با طالبان وارد مذاکره شود.

این فعال سیاسی می‌افزاید: «از نهادهایی که پنهانی به نام زنان افغانستان رای‌زنی می‌کنند، می‌طلبیم که بار دیگر از مسأله زنان به شیوه ابزاری استفاده نکنند و با سرنوشت زنان مانند تفاهم‌نامه دوحه معامله ننمایند.» به گفته معین امور حقوق بشر وزارت دولت در امور صلح حکومت پیشین، هیچ نهاد و سازمانی نباید مبارزه زنان را به حق کار در انجوها تقلیل دهد. به گفته او: «هدف از مبارزه زنان افغان تنها حق تحصیل و کار در انجوها نیست. هدف انفاذ قانون اساسی و قوانین مدرن، تعیین نوع نظام به اراده مردم، حق برابر شهروندی، تثبیت جایگاه زن به عنوان شخصیت حقیقی، مشارکت معنادار و برابر زنان در تمام عرصه‌ها، نماینده‌گی زنان از خویش در روندهای سیاسی است.» این در حالی است که شماری از زنان معترض و شهروندان کشور نیز در مورد دیدارهای سرپرست یوناما با طالبان می‌گویند که نباید حق تعیین سرنوشت و

تصمیم‌گیری در مورد زنان و مردم افغانستان به کسانی داده شود که هیچ پیوندی با مردم و حقوق شهروندی آنان ندارند. این شهروندان ابراز نگرانی می‌کنند که مبدا گفت‌وگوهای پنهانی سرپرست هیأت معاونت سازمان ملل متحد با مقام‌های طالبان، زمینه به رسمیت شناخته شدن این گروه را مساعد کند. از نظر آنان، طالبان می‌خواهند با اعمال سیاست‌های زن‌ستیزانه ابزار گفت‌وگو و تعامل را با جهان فراهم سازند و بازگشایی دروازه‌های نهادهای آموزشی، تحصیلی و حق کار زنان را منوط به رسمیت‌شناسی خود از سوی سازمان ملل متحد بدانند.

میترا (نام مستعار) یکی از دختران معترض است. او به شدت از سازمان ملل انتقاد می‌کند و می‌گوید: «در بسته شدن دروازه‌های موسسه‌ها منفعت خودش [سازمان ملل] در خطر افتاده و از همین‌رو با این شدت با طالبان سرگرم گفت‌وگو و تفاهم است.» به گفته او، در حالی که سازمان ملل پیش از این با ممنوعیت‌های گسترده و محرومیت‌های دست‌وپاگیر زنان صرف به صدور یک اعلامیه عادی اکتفا کرده است، اما اکنون که منافع نهادهای هم‌پوش و خودش با خطر مواجه شده، با جدیت این موضوع را دنبال می‌کند.

این رای‌زنی‌ها در حالی صورت می‌گیرد که وزارت اقتصاد طالبان روز شنبه، ۳ جدی، با ارسال مکتوبی به موسسه‌های داخلی و خارجی فعال در کشور دستور داد که فعالیت کارمندان زن را تا امر ثانی متوقف کنند. قاری دین‌محمد حنیف، وزیر اقتصاد طالبان، هشدار داده است که در صورت تخلف و تعلل از محتوای مندرج این مکتوب، جواز کار این موسسه‌ها لغو می‌شود.

پیش از این مارکس پوتزل، سرپرست دفتر هیأت معاونت سازمان ملل متحد در افغانستان (یوناما)، با شماری از مقام‌های طالبان، به‌شمول عبدالسلام حنفی، معاون اداری ریاست‌الوزرای طالبان، سراج‌الدین حقانی، سرپرست وزارت داخله این گروه و شماری از سرپرست‌وزیران و مقام‌های رهبری طالبان در مورد منع کار زنان در موسسه‌های داخلی و خارجی گفت‌وگو کرده است.

با اعمال ممنوعیت کار زنان در موسسه‌های داخلی بیش از ۱۵۰ موسسه داخلی و خارجی در کشور، فعالیت‌های‌شان را متوقف کرده‌اند و شمار زیادی از این نهادها با کارمندان‌شان در سال جدید میلادی قرارداد نبسته‌اند. با این حال، یان اگلند، دبیرکل شورای پناهنده‌گان ناروی، که به‌تازگی به افغانستان سفر کرده، گفته است که دفترهای این نهاد تقریباً خالی شده و تمام فعالیت‌هایش در سراسر افغانستان فلج شده است. او همچنان افزوده است که اگر زنان به کارشان برنگردند، انسان‌های زیادی تلف خواهند شد. همچنان منابع در بانک مرکزی تحت کنترل طالبان روز دوشنبه، ۱۹ جدی، به روزنامه ۸صبح تأیید کردند که ارسال بسته‌های پول نقد به کابل، پس از صدور دستور منع کار زنان در موسسه‌های داخلی و خارجی متوقف شده است.



**منابع آگاه در سازمان ملل به روزنامه ۸صبح تأیید می‌کنند که مارکس پوتزل، سرپرست دفتر هیأت معاونت سازمان ملل متحد در افغانستان، سرگرم رای‌زنی با مقام‌های طالبان است و تا یک هفته دیگر این گروه موضع خود را در قبال کار زنان در موسسه‌های داخلی و خارجی به‌شمول سازمان ملل متحد، مشخص می‌کند.**



۸صبح، سمنگان

## نبود آب آشامیدنی صحتی در سمنگان؛ روستانشینان از افزایش بیماری‌های ساری شکایت دارند

امر عادی است.»

هدایت‌الله، رییس یکی از شوراهای انکشافی، می‌گوید، آبی که در پی سرازیر شدن آب باران و برف در کنداب‌های این ولسوالی ذخیره می‌شود، ماه‌ها در کنداب‌ها نگهداری می‌شود و سپس مردم نظر به ضرورت از آن استفاده می‌کند. این رییس شورای انکشافی نیز می‌پذیرد که آب کنداب‌ها صحتی نیست، اما مردم نظر به مجبوریتی که دارند ناگزیرند از همین آب غیرصحتی استفاده کنند.

با این حال، باشندگان روستاهای ولایت سمنگان از مسوولان محلی می‌خواهند تا در قسمت تامین آب آشامیدنی به آنان کمک کنند؛ زیرا سمنگان از سطح آب بلندتر واقع شده و تا ۲۰۰ متری زیر زمین نیز آب وجود ندارد. حفر چاه‌های عمیق‌تر به‌شدت هزینه‌بر است و از توان باشندگان ولسوالی‌های سمنگان بالا می‌باشد. هرچند خواستیم که دیدگاه مسوولان محلی طالبان را درباره این شکایت باشندگان روستاهای سمنگان داشته باشیم، اما با وجود تلاش‌های فراوان موفق نشدیم.

براساس گزارش‌ها، هر از گاهی بیماری‌های مزمن میان باشندگان ولسوالی‌های سمنگان سرایت می‌کند. در ماه‌های پسین بیماری کولرا در ولسوالی‌های این ولایت به‌گونه سرسام‌آوری افزایش یافته است. براساس اظهارات داکتران شفاخانه ۲۰ بستر ولسوالی دره صوف پایین، تنها در همین ولسوالی بیش از یک هزار تن به بیماری ساری کولرا مبتلا شده‌اند. داکتران یکی از عوامل عمده سرایت این بیماری را استفاده از آب آلوده و نبود آب آشامیدنی صحتی، عنوان می‌کنند.

آب ذخیره‌شده دوباره در عمق زمین فرود نرود. این ذخیره‌ها در روستاهای سمنگان زیر نام «کند یا کنداب» شناخته می‌شود.

شاه‌آغا، باشند روستای قفلانی از مربوطات ولسوالی حضرتسلطان، می‌گوید: «خشک‌سالی از چندین سال به این‌سو دامن‌گیر ما مردم شده. در حال حاضر ما برای مال‌داری و کشاورزی آب زراعتی در این روستا نداریم چه برسد که دسترسی به آب آشامیدنی صحتی داشته باشیم.» شاه‌آغا توضیح می‌دهد که در صورت نیاز آن‌ها مجبورند آب را خریداری کنند. به سخن او، یک تانکر آب جوی‌بارها (۱۰۰۰ لیتر) در ولسوالی حضرتسلطان در بدل ۱۵۰ افغانی و یک تانکر آب چاه در بدل ۲۵۰ افغانی به فروش می‌رسد. به گفته او، هر خانواده هفته دو یا سه تانکر آب نیاز دارند.

باشندهگان روستاهای ولسوالی فیروزنخچیر نیز روایت مشابهی دارند و با کمبود آب آشامیدنی صحتی مواجه هستند. صدیقه، باشنده این ولسوالی و خانواده‌اش سال‌ها است که از آب آلوده برای نوشیدن استفاده می‌کنند. صدیقه می‌گوید که برای پختن غذا و نوشیدن، از آب جوی‌بارها استفاده می‌کند. او نیز از استفاده آب جوی‌بارها راضی نیست و می‌افزاید: «بسیاری اوقات در داخل گیلاس آب گرد، چنگ و دیگر خس‌وخاشاک به چشم دیده می‌شود، اما نوشیدن این آب آلوده برای باشندگان ولسوالی یک

نبود آب آشامیدنی صحتی یکی از چالش‌های عمده روستانشینان در ولایت سمنگان است. باشندگان ولسوالی‌های این ولایت از سال‌ها به این‌سو به آب آشامیدنی صحتی دسترسی ندارند. آنان با استفاده از آب ذخیره‌شده در حوض‌ها و کاریزها نیازشان را رفع می‌سازند. روستانشینان این ولایت از افزایش بیماری‌های ساری در اثر استفاده از آب غیرصحتی شکایت دارند و از مسوولان می‌خواهند تا به این معضل همیشه‌گی آنان یک راه‌حل مناسب جست‌وجو کنند. متخصصان امور صحتی می‌گویند که نبود آب آشامیدنی صحتی سبب می‌شود باشندگان این ولایت همه‌ساله در فصل‌های مختلف سال به بیماری‌های ساری، اسهالات خونی، محرقة و بیماری‌های انتونیک مبتلا شوند. به سخن آنان، آب ذخیره‌شده می‌تواند آسیب بیشتری به کودکان و نوجوانان وارد کند.

خیرالله خیرخواه، باشنده ولسوالی دره‌صوف پایین سمنگان، در صحبت با روزنامه ۸صبح، می‌گوید: «آبی که از برف و باران ذخیره می‌شود، ما روستانشینان از آن برای نوشیدن استفاده می‌کنیم.» خیرالله توضیح می‌دهد که برای ذخیره آب برف و باران، ذخیره‌های پخته در دامنه کوه‌ها به مساحت بین ۱۵ تا ۲۰ متر حفر می‌کنند و آن را با سمنت پلاستر می‌کنند تا

## چرا تحریک طالبان پاکستان شکست‌ناپذیر است؟

نویسنده:

پرویز هودی

منبع:

روزنامه دان

برگردان:

سیداکرم یارز

چنان‌که تحریک طالبان پاکستان حملات مرگ‌بارشان بر نظامیان، ماموران استخبارات، پولیس و شهروندان عادی این کشور را تشدید بخشیده‌اند، کسانی‌که ساختارهای نظامی و امنیتی پاکستان را رهبری می‌کنند، یک‌بار دیگر به گزافه‌گویی و غوغاگرایی روی آورده‌اند.

در ۵۰ روز گذشته بیشتر از ۱۰۰ حمله صورت گرفته و یکی از مهم‌ترین آن‌ها، تصرف یک مرکز مبارزه با تروریسم در بنو بود.

در یک حالت عادی، یک ارتش مجهز به سلاح اتمی و تجهیزات امریکایی و چینیایی با ۶۰۰ هزار عضو می‌تواند یک گروه تروریستی را شکست دهد و برای امنیت مرزهای این کشور کافی بوده و باید امنیت را تامین کند.

نظامیان پاکستان با داشتن تجرب مسلکی در پیش‌برد جنگ‌های غیرمعتارف، باید یک گروه تروریستی را شکست دهند؛ اما تا حال این کار نشده و سوءاقدامات در سطوح تاکتیکی و استراتژیک به تقویت دشمنان کمک کرده است.

کمک به برگشت طالبان به قدرت در افغانستان، یک محاسبه سوءاستراتژیک بود. سالیان متممادی کارگزاران امنیتی و دستگاه پروپاگندای دولتی دست به اشاعه این روایت زدند که طالبان افغانستان و پاکستان متفاوت‌اند، اما این توهمی بیش نبود و در عمل خود را به نمایش گذاشت.

حالا طالبان به‌عنوان حاکمان جدید کابل که با روایت پیروزی بر یک ابرقدرت حکومت می‌کنند، از ورود هوایی و زمینی پاکستان به هدف پاک‌سازی پناه‌گاه‌های تحریک طالبان پاکستانی جلوگیری کرده و عملاً پاکستان برای خود یک همسایه دشمن و یک کابوس دیگر ساخته است.

اشتباهات تاکتیکی مانند رهایی مرموز سران تحریک طالبان، مانند مسلم خان و احسان‌الله احسان و آماده‌گی مذاکره و قبول مطالبات آن‌ها، به‌صورت

علیه آن‌ها غیرضروری است.

یکی از خواست‌های این تحریک این است که از ادعای ارضی پاکستان به بعضی مناطق همجوار با افغانستان مشروعیت‌زدایی نماید و این به معنای برگرداندن مجدد مناطق قبایلی به وضعیت قبلی و نیمه‌حکمرانی دولتی بوده و از بین بردن حصارکشی مرزی مورد حمایت کامل طالبان افغانستان نیز می‌باشد. این خواسته آن‌ها قانع‌کننده نیست، زیرا قدرت‌های سلطه‌طلب و امپریالیستی سده گذشته، همواره بحران‌های دوام‌دار برجا گذاشته‌اند.

مشکل مرزی به ۱۲۹ سال قبل برمی‌گردد؛ زمانی‌که مارتیمور دیورند به هدف ترسیم ساحه نفوذ شوروی و بریتانیا توظیف شد. این مقام تبیل و ویسکی‌باز انگلیسی با پنسل و قلم خط مستقیم بالای نقشه کشید و جمعیت پشتون را به دو بخش تقسیم کرد.

تنها راه‌حل احتمالی‌ای که در حال حاضر زیاد مساعد به نظر نمی‌رسد، حسن نیت، عدم کاربرد زور و نرم‌سازی مواضع در مرزها می‌باشد. یک تقسیمات غیرطبیعی یک‌قرنه نباید روابط افغانستان و پاکستان را برای همیشه در ورطه خود فرو برد. خواسته دیگر این تحریک بسیار ناپذیرفتنی است و آن تطبیق کامل شریعت با روش‌های طالبان افغانستان در مناطق قبایلی پیش از توسعه آن به کل پاکستان است. این خواسته به معنای پایان تحصیل و تعلیم زنان، تأمین عدالت از طریق بریدن اندام، تأسیس یک سیستم شورایی به رهبری امیرالمومنین، به عوض مردم‌سالاری و قطع روابط پاکستان با جهان مدرن می‌باشد و برای غیرمسلمانان، بریلوی، شیعه‌ها و مسلمانان روشنفکر، این یک مهلکه به شمار می‌آید. از سوی دیگر، بخش‌های رادیکالیزه‌شده روستایی و عقب‌مانده پاکستان از این نوع اسلام‌گرایی استقبال می‌کنند و کارگزاران امنیتی پاکستان از این امر واقف‌اند. بعد از ۲۰۰۲ با پایگاه‌سازی نظامی در وزیرستان جنوبی، ارتش خسارات زیادی به این مناطق وارد کرده و این ساحات تبدیل به

فزاینده پاکستانی‌ها را عصبانی و این گروه را جسورتر کرده است. این تحریک از خلع سلاح و پذیرش قانون اساسی پاکستان خودداری کرده و اضافه بر آن، خواست‌های اضافی را مطرح می‌کنند که هیچ کشوری دارای حاکمیت نمی‌تواند بپذیرد.

این در حالی است که کارگزاران امنیتی پاکستان همواره از مذاکره با رهبران جنبش حفاظت از پشتون‌ها، جریان ضدتحریک طالبان پاکستانی، که هیچ‌گاهی دست به سلاح نبرده، خودداری کرده و رهبران آن را مورد بدرفتاری قرار داده و علی‌وزیر را زندانی کرده‌اند.

مقام‌های نظامی در سوات، شهروندان عادی‌ای که در برابر حمله تحریک طالبان بالای یک موتر حامل دانش‌آموزان مکتب، اعتراض کرده بودند را مجازات کردند. ارتش بین سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۰۹ صدها سرباز شجاع را از دست داد، اما مولانا فضل‌الله فراموش شد.

این نوع رفتارهای بی‌نظم و عجیب‌وغریب ناشی از یک‌سری خلاهای ایدیولوژیک است که فضا و زمینه را برای گمانه‌زنی‌های عیدیه نادرست فراهم ساخته است.

با توجه به حمایت طالبان افغانستان از تحریک طالبان پاکستان، آیا هنوز فلسفه طالبان خوب و بد پیشا ۲۰۲۱ پابرجا و دست‌نخورده است؟

امریکایی‌ها رفتند و هندی‌ها نیز از افغانستان رانده شدند. حالا دوست و دشمن کی است؟ آیا دساتیر و فرامین بالا در سطوح پایین مورد پیروی قرار می‌گیرد و آیا افسران و نظامیان و رهبران سیاسی در یک صفحه قرار دارند؟

این سوالات پاسخ‌های زیادی دارد، اما سوال اصلی توسط رهبران ملی، جنرال‌ها، تحلیل‌گران و روزنامه‌نگاران مطرح نشده و آن این است که چرا پاکستان با تحریک طالبان پاکستانی بچنگد؟

البته همه موافق‌اند که وحشی‌گری‌های تحریک طالبان غلط بوده و تمام جنگ‌ها ماهیت قساوت و بی‌رحمی دارد و اگر اهداف این تحریک خوب است، پس جنگ

پناه‌گاه‌های طالبان افغانستانی و عناصر القاعده گردید و جنگ‌ها به زودی به وزیرستان شمالی نیز تسری یافت. رهبر ارشد نظامی به صورت مصون از ساحه جنگی و مقاومت صدها جنگ‌جو و تروریست خارجی بیرون کشیده شدند و از مرال سربازان عادی کاسته شد و این سربازان به این می‌اندیشیدند که چرا به هم‌اندیشان ایدیولوژیک‌شان که طالبان و سایر گروه‌های اسلامی می‌باشند، حمله کنند و به همین دلیل، تعدادی تسلیم شدند. براساس گزارش مطبوعات اردوزبان، علمای دینی محلی در سوات و وزیرستان از خواندن نماز جنازه سربازان کشته‌شده خودداری می‌کردند. در حمله به زندان بنو در سال ۲۰۱۲، به تعداد ۲۸۴ تروریست آزاد شدند. جایی‌که نگهبانان این زندان با قرار گرفتن در کنار مهاجمان، شعار حمایت از آن‌ها و تطبیق شریعت را سر می‌دادند.

حالا زمان آن فرا رسیده که جنرال‌ها و رهبران سیاسی به‌صورت واضح به مردم بگویند که چرا می‌خواهند که تحریک طالبان پاکستانی را شکست دهند. براساس تاریخ و تجارب جنگ‌ها می‌توان استنباط کرد که تنها سلاح برنده جنگ نبوده، بلکه مرال از جایگاه برجسته برخوردار می‌باشد. دانشگاه‌های دفاعی عمدتاً آموزش‌های نظامی هندمحور ارایه کردند که این نظامیان از نظر فکری و ذهنی برای جنگ‌های به‌مراتب مرگ‌بار آماده‌گی ندارند. براساس آمار رسمی، از سال ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۴ ۷۰ هزار تن در نتیجه فعالیت‌های تروریستی در پاکستان کشته شده‌اند. در حالی‌که رقم تلفات چهار جنگ با هند به حدود ۱۸۰۰۰ تن می‌رسد. اگر قرار است در نهایت پاکستان، تحریک طالبان پاکستانی و حامیان‌شان در کابل را شکست دهد، نظامیان پاکستان باید بدانند که با کی و چرا می‌جنگند. یک ارتش که به لحاظ ایدیولوژیک گیج به نظر می‌رسد، نمی‌تواند برنده این جنگ باشد. بدون صراحت در علت‌های جنگ، روحیه جنگی شکل نگرفته و در نهایت پاکستان بازنده و طالبان پیروز میدان خواهد شد.

# آخرین موضع پوتین

تلاش برای شکست پوتین از طریق مذاکره دشوار و شاید غیرممکن باشد. رییس‌جمهور اوکراین، ولادیمیر زلنسکی، از مسکو می‌خواهد که از ادعای ارضی خود در مورد مناطق تحت کنترل روسیه در دونتسک، خرسون، لوهانسک و زاپوریژیا صرف‌نظر کند. پوتین قبلاً الحاق این مناطق را جشن گرفته است. با وجود تسلط ضعیف روسیه در این قلمرو، بعید است که او پس از این نمایش میهن‌پرستانه دست‌به‌کار شود. هر رهبر روسیه، چه پوتین یا شخص دیگری، در برابر واگذاری کریمه، بخشی از اوکراین که روسیه در سال ۲۰۱۴ آن را ضمیمه کرد، مقاومت خواهد کرد.

جنگ ولادیمیر پوتین، رییس‌جمهور روسیه، در اوکراین به‌عنوان دستاورد بزرگ او نشان‌دهنده این است که روسیه از زمان فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۹۹۱ تاکنون در کدام سطح قرار دارد.

الحاق اوکراین اولین گام در بازسازی امپراتوری روسیه بود. پوتین قصد داشت که ایالات متحده را به‌عنوان یک بزرگ‌ترین قدرت در خارج از اروپای غربی به تصویر بکشد و نشان دهد که روسیه همراه با چین برای ایفای نقش رهبری در نظم نوین بین‌المللی و چند قطبی‌پیشگام می‌باشد، اما برعکس، کی‌یف قدرت خود را حفظ کرد و ارتش اوکراین به لطف مشارکت و همکاری نزدیک ایالات متحده و متحدان غربی، به یک دژ مستحکم در برابر روسیه تبدیل شده است.

در مقابل، ارتش روسیه در جنگ در برابر اوکراین تفکر استراتژیک و سازمان‌دهی ضعیفی از خود نشان داده است. حلقه سیاسی و تصمیم‌گیر روسیه ثابت کرد که نمی‌تواند از اشتباهات خود درس بگیرد. با چشم‌انداز کمی برای دیکته کردن اقدامات پوتین، غرب باید خود را برای مرحله بعدی جنگ انتخابی فاجعه‌بار روسیه آماده کند.

جنگ ذاتاً غیرقابل پیش‌بینی است. در واقع، پیش‌بینی‌های گسترده اولیه در مورد سقوط سریع اوکراین غلط ثابت شد. با این حال، به نظر می‌رسد که روسیه به سمت شکست قدم می‌گذارد. کمتر مشخص است که این شکست چه شکلی خواهد داشت.

در این زمینه سه سناریوی اساسی وجود دارد و هر یک پیامدهای متفاوتی برای سیاست‌گذاران در غرب و اوکراین در بر خواهد داشت.

سناریوی اول کمتر قابل تحقق بوده و این که روسیه با پذیرش توافقی در مورد شرایط اوکراین با شکست خود موافقت کند. برای تحقق این سناریو باید چیزهای زیادی تغییر کند؛ زیرا هرگونه گفت‌وگوی دیپلماتیک بین روسیه، اوکراین و غرب از بین رفته است. دامنه تجاوز و گسترده‌گی جنایات جنگی روسیه، پذیرش هرگونه حل‌وفصل به‌شیوه دیپلماتیک و مسالمت‌آمیز را که کمتر از تسلیم شدن کامل روسیه باشد، برای اوکراین دشوار خواهد کرد.

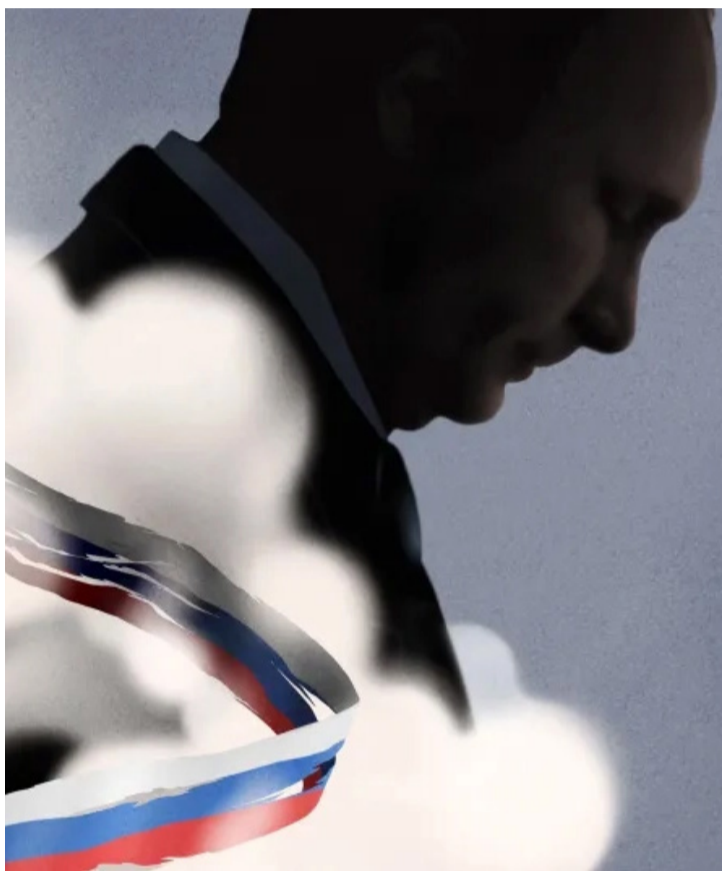
گفته می‌شود که دولت روسیه تحت رهبری پوتین یا جانشین او احتمالاً سعی کند تا کریمه را حفظ کند و بالای موارد دیگری برای صلح وارد گفت‌وگو شود. برای حفظ آرامش داخلی، کرملین احتمالاً ادعا کند که برای بازی طولانی در اوکراین آماده می‌شود و امکان تهاجمات نظامی اضافی را باز می‌گذارد.

بر اساس این سناریو، احتمالاً روسیه ناتو را مقصر بداند و استدلال کند که تحویل تسلیحات ایتلاف، نه قدرت اوکراین، مانع پیروزی روسیه شده است. برای این که این رویکرد در داخل رژیم به تصویب برسد، تدریجاً احتمالاً توسط پوتین باید به حاشیه رانده شوند. این امر دشوار خواهد بود، اما غیرممکن نیست. با این حال، در دوره حاکمیت پوتین این نتیجه بسیار غیرممکن است؛ زیرا رویکرد او به جنگ از ابتدا حداکثرگرا بوده است.

سناریوی دوم برای شکست روسیه، شامل شکست در میان شدید تنش است. کرملین با رویکرد اختلافی (نهیلیسم) به دنبال طولانی کردن جنگ در اوکراین است و در عین حال کمپاین اقدامات خراب‌کارانه را در کشورهای حامی کی‌یف و اوکراین آغاز می‌کند. در بدترین حالت، روسیه می‌تواند گزینه حمله هسته‌ای به اوکراین را انتخاب کند.

سیس جنگ به سمت یک رویارویی نظامی مستقیم بین ناتو و روسیه پیش خواهد رفت. روسیه از یک دولت تجدیدنظرطلب به کشوری سرکش تبدیل خواهد شد؛ انتقالی که هم‌اکنون در حال انجام است و این باور غرب را مبنی بر این که روسیه تهدیدی منحصره‌فرد و غیرقابل قبول است، سخت‌تر خواهد کرد. عبور از آستانه جنگ هسته‌ای می‌تواند به دخالت متعارف ناتو در جنگ منجر شود و شکست روسیه را در زمین تسریع کند.

سناریوی نهایی برای پایان جنگ، شکست از طریق فروپاشی رژیم است، با نبردهای سرنوشت‌ساز نه در اوکراین، بلکه در کاخ کرملین یا در خیابان‌های مسکو. پوتین قدرت را به شدت در دستان خود متمرکز کرده و لجاجت او در تعقیب پیروزی در یک جنگ شکت خورده،



منبع: مجله فارین افیرس برگردان غلام‌غوث عمری

**فروپاشی رژیم پوتین می‌تواند به معنای پایان فوری جنگ باشد. جنگی که روسیه در میان هرج‌ومرج داخلی فرو می‌رود و قادر به انجام و ادامه آن نخواهد بود. کودتای متعاقب جنگ داخلی، همان اتفاقی است که پس از تسلط بلشویک‌ها در سال ۱۹۱۷ رخ داد که به خروج روسیه از جنگ جهانی اول تسریع بخشید.**

در انتخابات مداخله کرد، خود را وارد درگیری‌های مختلف در افریقا کرد و با حمایت از بشار اسد، رییس‌جمهور سوریه، پویایی ژئوپلیتیک خاورمیانه را تغییر داد. اگر روسیه به جای پذیرش شکست از طریق مذاکره، تشدید رادیکال یا انشعاب در هرج‌ومرج را دنبال کند، عواقب آن در آسیا، اروپا و خاورمیانه محسوس خواهد بود. بی‌نظمی می‌تواند به شکل جدایی‌طلبی و درگیری‌های مجدد در داخل و اطراف روسیه، بزرگ‌ترین کشور جهان در خشکه، باشد. تغییر روسیه به یک کشور شکست‌خورده، سوالاتی را که سیاست‌گذاران غربی در سال ۱۹۹۱ با آن دست‌وپنجه نرم می‌کرد، احیا کند: به‌عنوان مثال، چه کسی کنترل تسلیحات هسته‌ای روسیه را به دست می‌آورد؟ شکست بی‌نظم روسیه، حفره خطرناکی در نظام بین‌الملل ایجاد خواهد کرد.

## مذاکره برای تغییر وضعیت کارساز نیست

تلاش برای شکست پوتین از طریق مذاکره دشوار و شاید غیرممکن باشد. رییس‌جمهور اوکراین، ولادیمیر زلنسکی، از مسکو می‌خواهد که از ادعای ارضی خود در مورد مناطق تحت کنترل روسیه در دونتسک، خرسون، لوهانسک و زاپوریژیا صرف‌نظر کند. پوتین قبلاً الحاق این مناطق را جشن گرفته است. با وجود تسلط ضعیف روسیه در این قلمرو، بعید است که او پس از این نمایش میهن‌پرستانه دست‌به‌کار شود. هر رهبر روسیه، چه پوتین یا شخص دیگری، در برابر واگذاری کریمه، بخشی از اوکراین که روسیه در سال ۲۰۱۴ آن را ضمیمه کرد، مقاومت خواهد کرد.

شرایط در روسیه باید برای سازش مساعد باشد. رهبری جدید روسیه باید با ارتشی که روحیه خود را از دست داده، مبارزه کند. روس‌ها در نهایت می‌توانند بی‌تفاوت شوند، اگر جنگ بدون راه‌حل روشن ادامه یابد؛ اما

درگیری‌ها احتمالاً در بخش‌هایی از شرق اوکراین ادامه خواهد داشت و تنش‌ها بین دو کشور همچنان بالا خواهد بود.

با این حال، توافق با اوکراین می‌تواند به عادی‌سازی روابط با غرب منجر شود. این یک انگیزه قوی برای یک رهبر روسیه کمتر نظامی، نسبت به پوتین خواهد بود و برای بسیاری از روس‌ها جذاب خواهد بود. رهبران غربی نیز می‌توانند وسوسه شوند تا برای پایان دادن به جنگ، مذاکراتی را انجام دهند.

مشکل این‌جا زمان‌بندی است. در دو ماه اول پس از تهاجم فبروری ۲۰۲۲، روسیه این شانس را داشت که با زلینسکی مذاکره کند و از اهرم‌های میدان نبرد خود استفاده کند.

با این حال، پس از ضدحمله‌های موفق اوکراین، کی‌یف دلیل کمی برای قبول چیزی ندارد. از زمان تهاجم، روسیه به جای نشان دادن تمایل به سازش، خصومت‌ها را افزایش داده و تشدید کرده است. یک رهبر ناسازگارتر از پوتین ممکن است اوکراین را به سوی مذاکره سوق دهد. در مواجهه با شکست، پوتین می‌تواند به حمله در صحنه جهانی متوسل شود. او به‌طور پیوسته چهارچوب خود را از جنگ گسترش داده و ادعا می‌کند که غرب در حال نبرد نیابتی علیه روسیه با هدف نابودی کشورش است.

سخنرانی‌های پوتین در سال ۲۰۲۲ و به‌طورخاص سخنرانی او در کنفرانس امنیتی مونیخ ۱۵ سال قبل بود که در آن او استثنای امریکا را محکوم کرد و استدلال کرد که ایالات متحده «از هر جهت از مرزهای ملی خود فراتر رفته است.»

این سخن بخشی از جنجال و لفاظی‌های پوتین برای بسیج عاطفی روس‌ها است، اما یک منطق تاکتیکی نیز در پشت آن وجود دارد: اگرچه گسترش جنگ فراتر از اوکراین آشکارا نمی‌تواند سرزمینی را که پوتین می‌خواهد به دست آورد، اما می‌تواند مانع از پیروزی اوکراین و غرب در مناقشه شود. زبان ستیزه‌جویانه او زمینه را برای تشدید تنش و رویارویی قرن ۲۱ با غرب فراهم می‌کند که در آن روسیه به دنبال بهره‌برداری از مزایای نامتقارن خود به‌عنوان یک کشور سرکش یا تروریست می‌باشد.

ابزارهای روسیه برای رویارویی می‌تواند شامل استفاده از سلاح‌های شیمیایی یا بیولوژیکی در داخل یا خارج از اوکراین باشد. پوتین می‌تواند خطوط لوله انرژی یا زیرساخت‌های بستر دریا را نابود کند یا حملات سایبری به موسسات مالی غرب انجام دهد. استفاده از سلاح‌های هسته‌ای تاکتیکی می‌تواند آخرین راه‌حل او باشد. پوتین در یک سخنرانی در ۳۰ سپتامبر، هیروشیما و ناکازاکی را مطرح کرد و تفاسیر پیچیده‌ای از مرحله پایانی جنگ جهانی دوم ارائه کرد. اگر روسیه از سلاح هسته‌ای تاکتیکی در اوکراین استفاده کند، کی‌یف تسلیم نمی‌شود. اولاً، اوکراینی‌ها می‌دانند که اشغال روسیه با انقراض کشورشان برابری می‌کند که برای جاپان در سال ۱۹۴۵ صدق نمی‌کرد. علاوه بر این، جاپان در آن زمان جنگ را می‌باخت، اما در اواخر سال ۲۰۲۲، این روسیه، به‌عنوان قدرت هسته‌ای بود که در حال شکست است.

عواقب یک حمله اتمی فاجعه‌بار خواهد بود، نه فقط برای جمعیت اوکراین که برای کل جهان. با این حال، جنگ ادامه خواهد داشت و سلاح‌های هسته‌ای کمک زیادی به سربازان روسی در میدان جنگ نمی‌کند. در عوض، روسیه با خشم جهانی مواجه خواهد شد.

در حال حاضر، برزیل، چین و هند تهاجم روسیه را محکوم نکرده‌اند، اما هیچ کشوری واقعا از مسکو در جنگ وحشتناک حمایت نمی‌کند و هیچ‌یک استفاده از سلاح‌های هسته‌ای را حمایت نمی‌کند.

شی جین‌پینگ، رییس‌جمهور چین، در ماه نوامبر این موضوع را به صراحت اعلام کرد. پس از دیدار با اولاف شولتز، صدراعظم آلمان، بیانیه‌ای صادر کرد و اعلام کرد که رهبران «مشترکاً به استفاده یا تهدید به استفاده از سلاح‌های هسته‌ای مخالف هستند.» اگر پوتین این هشدار را نادیده می‌گرفت، از نظر اقتصادی یک منزوی‌ای بیش نمی‌بود و شاید توسط یک ائتلاف نظامی جهانی مورد مجازات قرار می‌گرفت.

# آخرین موضع پوتین



**حمله پوتین به اوکراین به‌عنوان اولین گام در بازسازی یک امپراتوری روسیه نتیجه معکوس داشته است. جنگ توانایی او را برای مسلح کردن همسایه‌گان روسیه کاهش داده است. زمانی که آذربایجان در سال گذشته درگیری مرزی با ارمنستان داشت، روسیه از مداخله به نمایندگی از ارمنستان خودداری کرد. در حالی که متحد رسمی ارمنستان بود. پویایی مشابهی در قزاقستان در جریان است. اگر کیف تسلیم شده بود، پوتین ممکن بود در مرحله بعد تصمیم حمله به قزاقستان بگیرد. جمهوری شوروی سابق دارای جمعیت قومی روسی زیادی است و پوتین به مرزهای بین‌المللی احترام نمی‌گذارد.**



مفاوتی وجود دارد. اگر کرملین دستخوش تغییر رژیم شود، ممکن است قزاقستان را کاملاً از چنگ روسیه رها کند و به این کشور اجازه دهد تا به‌عنوان پناهگاه امنی برای روس‌های در تبعید باشد.

این تنها تغییر در منطقه نخواهد بود. در قفقاز جنوبی و در مولداوی، درگیری‌های قدیمی می‌تواند احیا و تشدید شود. ترکیه می‌تواند به حمایت از شریک خود آذربایجان، در برابر ارمنستان ادامه دهد. اگر ترکیه ترس خود را از واکنش روسیه از دست بدهد، ممکن است آذربایجان را ترغیب کند که حملات بیشتری به ارمنستان انجام دهد. اگر روسیه عقب‌نشینی کند و ترکیه در سوریه دلیلی برای افزایش حضور نظامی خود خواهد داشت.

اگر روسیه در هرج‌ومرج فرو برود، گرجستان می‌تواند با عرض جغرافیایی بیشتری عمل کند. سایه نیروی نظامی روسیه که از زمان جنگ روسیه و گرجستان در سال ۲۰۰۸ بر سر کشور مستولی شده، برداشته خواهد شد. گرجستان می‌تواند به تلاش خود برای عضویت در اتحادیه اروپا ادامه دهد؛ اگرچه سال گذشته به دلیل ناآرامی‌های داخلی و فقدان اصلاحات داخلی به‌عنوان یک نامزد نادیده گرفته شد.

اگر ارتش روسیه از منطقه خارج شود، ممکن است دوباره درگیری بین گرجستان و استونیای جنوبی از یک سو و بین گرجستان و آبخازیا از سوی دیگر آغاز شود.

این پویایی می‌تواند در مولداوی و منطقه جداشده آن ترانس نیستریا، جایی که سربازان روسی از سال ۱۹۹۲ در آنجا مستقر هستند، ظاهر شود. نامزدی مولداوی برای عضویت در اتحادیه اروپا که در جون ۲۰۲۲ اعلام شد، ممکن است فرار از این درگیری طولانی‌مدت باشد. اتحادیه اروپا مطمئناً مایل است به مولداوی در حل مناقشه کمک کند.

تغییرات رهبری در روسیه بلاروس را متزلزل خواهد کرد. جایی که دیکتاتور الکساندر لوکاشنکو با پول و قدرت نظامی روسیه حمایت می‌شود.

اگر پوتین کنار گذاشته شود، لوکاشنکو به احتمال زیاد نفر بعدی خواهد بود. یک دولت بلاروس در تبعید هم‌اکنون وجود دارد. سولتان تیکخونوفسکایا که در لیتوانیا زنده‌گی می‌کند، در سال ۲۰۲۰ پس از زندانی شدن همسرش به دلیل تلاش برای مخالفت با لوکاشنکو، رهبر مخالفان این کشور شد.

انتخابات آزاد و عادلانه می‌تواند برگزار شود و به کشور اجازه دهد تا خود را از دیکتاتوری نجات دهد، اگر بتواند خود را از روسیه جدا کند. اگر بلاروس نتواند استقلال خود را تضمین کند، درگیری داخلی بالقوه روسیه ممکن است به آن‌جا سرایت کند که به نوبه خود بر همسایه‌گانی مانند لیتوانیا، لهستان و اوکراین تأثیر خواهد گذاشت.

اگر روسیه واقعاً تجزیه شود و نفوذ خود را در اوراسیا از دست بدهد، بازیگران دیگری مانند چین وارد این منطقه می‌شوند که در حال تغییر است. چین در آسیای مرکزی می‌تواند پیشرفت است. قفقاز جنوبی و خاورمیانه می‌تواند مناطق بعدی تجاوز باشد.

یک روسیه شکست‌خورده و بی‌ثبات خواستار یک پارادایم جدید از نظم جهانی است. نظم بین‌المللی لیبرال حاکم حول مدیریت قانونی قدرت می‌چرخد و بر قوانین و نهادهای چندجانبه تأکید دارد. مدل رقابت قدرت‌های بزرگ، مورد علاقه دونالد ترامپ، رییس‌جمهور سابق ایالات متحده، در مورد توازن قوا بود که به طور ضمنی یا صریح حوزه‌های نفوذ را منبع نظم بین‌المللی می‌دانست.

اگر قرار بود روسیه در اوکراین شکست بخورد، سیاست‌گذاران باید حضور و عدم حضور قدرت، به ویژه فقدان یا کاهش شدید قدرت روسیه را در نظر بگیرند. درگیری کمتر روسیه در درگیری‌ها در سراسر جهان، از جمله درگیری‌های افریقا و خاورمیانه، و نه در اروپا، تأثیر خواهد داشت. با این حال، یک روسیه کوچک یا شکسته، لزوماً آغازگر عصر طلایی نظم و ثبات نخواهد بود.

روسیه شکست‌خورده تغییری را نسبت به دو دهه گذشته نشان می‌دهد. زمانی که این کشور یک قدرت برتر بود. در طول دهه ۱۹۹۰ و در دهه اول این قرن، روسیه به طور اتفاقی آرزو داشت که در اروپا ادغام شود و با ایالات متحده شریک شود. روسیه به G-8 و سازمان تجارت جهانی پیوست.

ادامه در صفحه ۷

به جنگ پایان دهد و روابط بهتری با غرب را در نظر بگیرد؛ اما رهبری که از داخل کرملین پوتین آمده است، این گزینه را نخواهد داشت؛ زیرا سابقه حمایت عمومی از جنگ را دنبال می‌کند. چالش پوتینیست بودن پس از پوتین بسیار سخت خواهد بود.

یکی از چالش‌ها جنگ است که مدیریت آن برای جانشین آسان‌تر نخواهد بود. به‌ویژه کسی که رویای پوتین برای بازگرداندن موقعیت قدرت بزرگ روسیه را در سر داشته باشد. چالش دیگر ایجاد مشروعیت در یک نظام سیاسی بدون هیچ‌یک از منابع سنتی آن است. روسیه هیچ قانون اساسی و سلطنتی ندارد. هرکسی که از پوتین پیروی کند، فاقد حمایت مردمی خواهد بود و به سختی می‌تواند ایدئولوژی نیوشوروی و نیوامپریالیستی را که پوتین تجسم کرده است، تجسم نماید.

در بدترین حالت، سقوط پوتین می‌تواند به جنگ داخلی و تجزیه روسیه تبدیل شود. قدرت در رأس رقابت خواهد بود و کنترل دولت در سراسر کشور تکه‌تکه خواهد شد.

این دوره می‌تواند یک زمان پرچالش باشد. به‌گونه مثال، یک بحران ۱۵ ساله جانشینی در اواخر قرن ۱۶ و اوایل قرن ۱۷ که با شورش، بی‌قانونی و تهاجم خارجی رقم خورده بود، در تاریخ روسیه ثبت شده است. روس‌ها آن دوران را دوره تحقیر می‌دانند که باید به هر قیمتی از تکرار آن اجتناب کرد. مشکلات قرن ۲۱ روسیه می‌تواند شاهد ظهور جنگ‌سالاران از سوی سرویس‌های امنیتی و جدایی‌طلبان خشن در مناطق آسیب‌دیده اقتصادی این کشور باشد که بسیاری از آن‌ها محل زنده‌گی تعداد زیادی از اقلیت‌های قومی هستند.

اگرچه روسیه در آشفته‌گی ممکن به‌طور رسمی به جنگ در اوکراین پایان ندهد، اما ممکن است به ساده‌گی قادر به انجام آن نباشد. در این صورت اوکراین صلح و استقلال خود را جشن می‌گیرد، در حالی که روسیه به هرج‌ومرج فرو خواهد رفت.

## عامل آشوب

حمله پوتین به اوکراین به‌عنوان اولین گام در بازسازی یک امپراتوری روسیه نتیجه معکوس داشته است. جنگ توانایی او را برای مسلح کردن همسایه‌گان روسیه کاهش داده است. زمانی که آذربایجان در سال گذشته درگیری مرزی با ارمنستان داشت، روسیه از مداخله به نمایندگی از ارمنستان خودداری کرد. در حالی که متحد رسمی ارمنستان بود.

پویایی مشابهی در قزاقستان در جریان است. اگر کیف تسلیم شده بود، پوتین ممکن بود در مرحله بعد تصمیم حمله به قزاقستان بگیرد. جمهوری شوروی سابق دارای جمعیت قومی روسی زیادی است و پوتین به مرزهای بین‌المللی احترام نمی‌گذارد. اکنون احتمال

روسیه تجربه تغییر رژیم در پی جنگ‌های ناموفق را دارد. جنگ روسیه و جاپان (۱۹۰۵-۱۹۰۴) و جنگ جهانی اول به انقلاب بلشویکی منجر شد. فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۹۹۱، دو سال پس از پایان ماجراجویی نظامی شوروی در افغانستان رخ داد. انقلاب‌ها در روسیه زمانی رخ داده‌اند که دولت در اهداف اقتصادی و سیاسی خود شکست خورده و به بحران‌ها پاسخ نداده است.

پوتین در همه این دسته‌بندی‌ها در معرض خطر است. مدیریت او در جنگ افتضاح و اقتصاد روسیه در حال انقباض است. در مواجهه با این روندهای ناگوار، پوتین اشتباهات خود را دوچندان کرد و در عین حال تأکید کرد که جنگ «براساس برنامه» پیش می‌رود. سرکوب می‌تواند برخی از مشکلات او را حل کند. دستگیری و پیگرد مخالفان می‌تواند در ابتدا اعتراض را خاموش کند؛ اما دست سنگین پوتین خطر نارضایتی بیشتری را نیز به دنبال دارد.

اگر پوتین برکنار شود، معلوم نیست که چه کسی جانشین او می‌شود. برای اولین‌بار از زمان روی کار آمدن در سال ۱۹۹۹، «قدرت عمودی» پوتین یک سلسله‌مراتب دولتی بسیار متمرکز مبتنی بر وفاداری به رییس‌جمهور روسیه درجه‌ای از عمودی بودن خود را از دست داده است.

دورقیب احتمالی خارج از ساختارهای نخبه‌گان سنتی برای پوتین عبارتند از بوگنی پریگوزین، رییس گروه واگنر و یک پیمانکار نظامی خصوصی، که نیروهای نیابتی جنگ با اوکراین را تجهیز کرده است، و رمضان قدیروف، رهبر جمهوری چین. آن‌ها ممکن وسوسه شوند که بقایای قدرت پوتین را از بین ببرند و جنگ داخلی در رژیم را تشویق کنند تا بتوانند موقعیتی را در مرکز ساختار قدرت جدید روسیه پس از خروج پوتین به دست آورند.

آن‌ها هم‌چنین می‌توانند تلاش کنند خودشان ادعای قدرت کنند. آن‌ها قبلاً رهبری ارتش و وزارت دفاع روسیه را در پاسخ به شکست‌ها در جنگ تحت فشار قرار داده‌اند و تلاش کردند تا پایگاه‌های قدرت خود را با حمایت نیروهای شبه‌نظامی وفادار گسترش دهند. رقبای دیگر می‌توانند از محافل نخبه‌گان سنتی مانند ریاست جمهوری، کابینه، یا نیروهای نظامی و امنیتی باشند. پوتین برای سرکوب توطیاهای کاخ، در ۲۰ سال گذشته خود را در محاصره‌های متوسط قرار داده است؛ اما جنگ ناموفق، تسلط او بر قدرت را تهدید می‌کند. اگر واقعاً سخنان اخیر خود را باور کند، ممکن است زبردستان خود را متقاعد کرده باشد که در دنیای خیالی زنده‌گی می‌کند.

احتمال این‌که یک دموکرات طرفدار غرب رییس‌جمهور آینده روسیه شود، بسیار اندک است. به احتمال زیاد یک رهبر اقتدارگرا در قالب پوتینیستی وجود دارد. یک رهبر خارج از قدرت عمودی می‌تواند

بنابراین، برای روسیه تهدید به استفاده از تسلیحات هسته‌ای مفیدتر از استفاده واقعی آن است، اما پوتین ممکن است همچنان این مسیر را طی کند. به هر حال، آغاز تهاجم، یک حرکت بسیار بد و غیرقابل تصور بود. با این حال، او این کار را انجام داد. اگر او شکست تابوی هسته‌ای را انتخاب کند، بعید است که ناتو پاسخی مشابه بدهد تا از خطر تبادل هسته‌ای جلوگیری کند. با این حال، ائتلاف به احتمال زیاد با نیروی متعارف برای تضعیف ارتش روسیه و جلوگیری از حملات هسته‌ای بیشتر پاسخ می‌دهد و در صورتی که روسیه در ازای آن حملات متعارفی را علیه ناتو انجام دهد، خطر تشدید ماریپج را به‌همراه خواهد داشت.

حتا اگر بتوان از این سناریو اجتناب کرد، شکست روسیه پس از استفاده هسته‌ای بازهم پیامدهای خطرناکی خواهد داشت. این امر، باعث ایجاد یک دنیای بدون تعادل هسته‌ای ناقص جنگ سرد و دوران ۳۰ ساله پس از جنگ سرد می‌شود. این امر رهبران سراسر جهان را تشویق می‌کند که هسته‌ای شوند؛ زیرا به نظر می‌رسد که امنیت آن‌ها تنها با دست‌یابی به سلاح‌های هسته‌ای و نشان دادن تمایل به استفاده از آن‌ها تضمین می‌شود. عصر گسترش سلاح‌های هسته‌ای به‌شدت به ضرر امنیت جهانی خواهد بود.

## رهبری بار سنگینی دارد

در این مرحله، مردم روسیه برای مخالفت با جنگ قیام نکرده‌اند. روس‌ها احتمالاً به پوتین بدبین و به دولت او اعتماد نداشته باشند؛ اما آن‌ها همچنان نمی‌خواهند پسران، پدران و برادران یونیفرم‌پوش‌شان در میدان‌های نبرد شکست بخورند. اکثر روس‌ها که در طول قرن‌ها که به قدرت بزرگ روسیه عادت کرده‌اند و از غرب جدا شده‌اند، نمی‌خواهند کشورشان بدون هیچ قدرت و نفوذی در اروپا باشد. این نتیجه طبیعی شکست روسیه در اوکراین خواهد بود.

با این حال، یک جنگ طولانی روس‌ها را به آینده‌ای تیره و تاریک می‌اندازد و احتمالاً شعله‌های انقلاب را در این کشور ایجاد می‌کند. تلفات روسیه زیاد بوده است و با افزایش قدرت ارتش اوکراین، می‌تواند خسارات بیشتری را وارد کند. مهاجرت صدها هزار جوان روس، که بسیاری از آن‌ها بسیار ماهر بودند، شگفت‌انگیز بوده است. با گذشت زمان ترکیب جنگ، تحریم‌ها و فرار مغزها خسارات هنگفتی خواهد داشت و روس‌ها در نهایت ممکن است پوتین را که کار ریاست‌جمهوری خود را به‌عنوان یک مدرن‌ساز خودخوانده آغاز کرد، مقصر بدانند.

بیشتر روس‌ها از جنگ‌های قبلی او جدا بودند؛ زیرا آن‌ها معمولاً دور از جبهه داخلی رخ می‌داد و نیازی به بسیج جمعی برای تکمیل نیروها نداشتند. این در مورد جنگ در اوکراین صدق نمی‌کند.



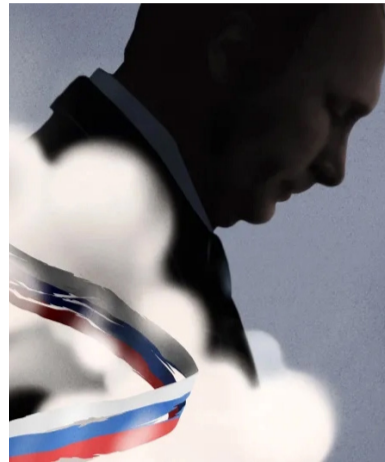
## گرت بیل با دنیای فوتبال خداحافظی کرد

گرت بیل، بازیکن سابق تیم فوتبال ریال مادرید، از بازی‌های فوتبال خداحافظی کرد. گرت بیل دوشنبه شب، ۹ جنوری، بازنشسته‌گی‌اش را اعلام کرده است. این بازیکن ۳۳ ساله در حالی از فوتبال خداحافظی می‌کند که هفت ماه از قراردادش با باشگاه لس آنجلس لیگ فوتبال آمریکا می‌گذرد. این بازیکن در سال ۲۰۰۶ اولین بازی حرفه‌ای خود را با تیم ساوتهمپتون آغاز کرد و یک سال برای این باشگاه توپ زد. پس از جدایی از این تیم، در سال ۲۰۰۷ به باشگاه تاتنهام پیوست و تا سال ۲۰۱۳ در این باشگاه بازی کرد. درخشش او در لیگ فوتبال انگلستان سبب شد تا باشگاه ریال مادرید او را در سال ۲۰۱۳ از باشگاه تاتنهام خریداری کند. این بازیکن نزدیک به یک دهه بازیکن ریال مادرید بود. وی در جریان این مدت ۲۵۶ بازی برای این تیم انجام داد و ۱۰۶ گل به ثمر رساند. این ستاره ولزی همچنان پنج قهرمانی لیگ قهرمانان اروپا، سه قهرمانی در لالیگا و سه جام باشگاه‌های جهان را برای باشگاه ریال مادرید به دست آورده است. گرت بیل همچنان در ۱۱۱ بازی برای تیم ملی ولز به میدان رفته و ۴۱ گل به ثمر رسانده است.



# آخرین موضع پوتین

شکست روسیه به هر شکلی که باشد، تثبیت ثبات در شرق و جنوب شرق اروپا، از جمله بالکان، یک کار دشوار خواهد بود. در سراسر اروپا، غرب باید پاسخی خلاقانه برای سوالاتی بیابد که پس از سال ۱۹۹۱ هرگز حل نشد. آیا روسیه بخشی از اروپا است؟ اگر نه، ارتفاع دیوار بین روسیه و اروپا چقدر باید باشد و اطراف کدام کشورها باشد؟ اگر روسیه بخشی از اروپا است، کجا و چگونه در آن جای می‌گیرد؟ خود اروپا از کجا شروع و به کجا ختم می‌شود؟ الحاق فنلند و سویدن به ناتو، تنها آغاز این پروژه خواهد بود.



این کشور به تلاش‌های جنگی ایالات متحده در افغانستان کمک کرد. در چهار سالی که دیمیتری مدودف، رئیس‌جمهور روسیه بود، از سال ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۲، به نظر می‌رسید که روسیه با نظم بین‌المللی مبتنی بر قواعد، بازی می‌کند، البته اگر از نزدیک به پشت پرده نگاه نکنیم. روسیه‌ای که بتواند هم‌زیستی مسالمت‌آمیز با غرب داشته باشد، ممکن است از ابتدا یک توهم بوده باشد. پوتین در اوایل دوران ریاست‌جمهوری خود هوای آشتی‌جویانه‌ای را پیش‌بینی کرد، اگرچه ممکن است تنفر از غرب، تحقیر نظم مبتنی بر قوانین و اشتیاق برای تسلط بر اوکراین در تمام مدت داشته باشد.

در هر صورت، هنگامی که او در سال ۲۰۱۲ دوباره ریاست جمهوری را به دست گرفت، روسیه از نظم مبتنی بر قوانین خارج شد. پوتین این سیستم را به عنوان چیزی برای ایالات متحده سلطه‌گر، به سخره گرفت. روسیه با الحاق کریمه به حق حاکمیت اوکراین تجاوز کرد، با حمایت از اسد در جنگ داخلی سوریه، خود را دوباره در خاورمیانه قرار داد و شبکه‌هایی از نفوذ نظامی و امنیتی روسیه در آفریقا ایجاد کرد. یک روسیه قاطع و یک چین در حال صعود بر پارادایم رقابت قدرت‌های بزرگ در پکن، مسکو و حتی واشنگتن پس از ترامپ کمک کرد. روسیه با وجود اقدامات تجاوزکارانه و زرادخانه هسته‌ای قابل توجهی که دارد، به هیچ‌وجه رقیب هم‌تای چین یا ایالات متحده نیست. تهاجم پوتین بر اوکراین نشان می‌دهد که او این نکته مهم را درک نکرده است؛ اما از آنجایی که پوتین در مناطقی در سراسر جهان مداخله کرده است، شکست در اوکراین که روسیه را از هم پاشاند، شوک بزرگی برای نظام بین‌الملل خواهد بود.

مطمئناً این شکست می‌تواند پیامدهای مثبتی برای بسیاری از کشورهای همسایه روسیه داشته باشد. به پایان جنگ سرد نگاه کنید. زمانی که فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی امکان ظهور بیش از ۱۲ کشور آزاد و مرفه در اروپا را فراهم کرد. چرخش روسیه به داخل، ممکن است به تقویت «روپای کامل و آزاد» کمک کند، تا عبارتی را که جورج اچ دبلیو بوش، رئیس‌جمهور ایالات متحده، برای توصیف جاه‌طلبی‌های آمریکا برای قاره پس از پایان جنگ سرد به کار برد. در عین حال، آشفته‌گی در روسیه می‌تواند گردابی

از بی‌ثباتی ایجاد کند. رقابت قدرت‌های بزرگ، کمتر از هرج‌ومرج قدرت‌های بزرگ، که منجر به آبشاری از جنگ‌های منطقه‌ای، جریان مهاجران و عدم اطمینان اقتصادی می‌شود.

فروپاشی روسیه هم‌چنین می‌تواند شروع یک واکنش زنجیره‌ای باشد که در این صورت ایالات متحده و چین سودی نخواهد برد؛ زیرا هر دو برای مهار پیامدها تلاش خواهند کرد.

در این صورت، غرب باید اولویت‌های استراتژیک را تعیین کند. تلاش برای پر کردن خلایی که ممکن است شکست بی‌نظم روسیه ایجاد کند، غیرممکن است. در آسیای مرکزی و قفقاز جنوبی، ایالات متحده و اروپا شانس کمی برای جلوگیری از حرکت چین و ترکیه به سمت خلا خواهند داشت. به جای تلاش برای بستن راه آن‌ها، یک استراتژی واقع‌بینانه‌تر ایالات متحده، تلاش برای مهار نفوذ آن‌ها و ارایه یک جایگزین، به ویژه برای تسلط چین، خواهد بود.

شکست روسیه به هر شکلی که باشد، تثبیت ثبات در شرق و جنوب شرق اروپا، از جمله بالکان، یک کار دشوار خواهد بود. در سراسر اروپا، غرب باید پاسخی خلاقانه برای سوالاتی بیابد که پس از سال ۱۹۹۱ هرگز حل نشد. آیا روسیه بخشی از اروپا است؟ اگر نه، ارتفاع دیوار بین روسیه و اروپا چقدر باید باشد و اطراف کدام کشورها باشد؟ اگر روسیه

بخشی از اروپا است، کجا و چگونه در آن جای می‌گیرد؟ خود اروپا از کجا شروع و به کجا ختم می‌شود؟ الحاق فنلند و سویدن به ناتو، تنها آغاز این پروژه خواهد بود.

بلا روس و اوکراین مشکلات حفاظت از جناح شرقی اروپا را نشان می‌دهند. این کشورها آخرین جایی هستند که روسیه از آرزوهای قدرت بزرگ خود دست می‌کشد و حتا روسیه ویران شده تمام ظرفیت نظامی هسته‌ای و متعارف خود را از دست نخواهد داد.

دو بار در ۱۰۶ سال گذشته، در سال ۱۹۱۷ و در سال ۱۹۹۱، نسخه‌های روسیه از هم جدا شده را دیده‌ایم. دو بار، نسخه‌های روسیه خود را بازسازی کردند. اگر روسیه عقب‌نشینی کند، غرب باید از این فرصت برای شکل دادن به محیطی در اروپا استفاده کند که در خدمت حفاظت از اعضای ناتو، متحدان و شرکا باشد. شکست روسیه فرصت‌ها و وسوسه‌های زیادی را به همراه خواهد داشت. یکی از این وسوسه‌ها این است که روسیه شکست‌خورده اساساً از اروپا ناپدید شود؛ اما روسیه شکست‌خورده روزی خود را دوباره تثبیت خواهد کرد و منافع خود را براساس شرایطش دنبال خواهد کرد. غرب باید از لحاظ سیاسی و فکری هم برای شکست روسیه و هم برای بازگشت روسیه مجهز باشد.

## عالمان دینی در پاکستان حمله بر نظامیان این کشور را حرام خواندند



اصول شرعی و قوانین این کشور است و عاملان آن باید مجازات شوند. این در حالی است که تحریک طالبان پاکستان که روابط نزدیک ایدئولوژیک و همکاری با طالبان افغانستان دارد، جنگ خود در برابر نیروهای مسلح پاکستان را «جهاد» اعلام کرده است. این گروه پس از شکست گفت‌وگویش با حکومت پاکستان، حملات خود را افزایش داده و وضعیت امنیتی در این کشور به شدت وخیم شده است. افزون بر تحریک طالبان پاکستان، گروه‌های جدایی‌طلب بلوچ و گروه دولت اسلامی نیز حملاتی را بر قوای مسلح پاکستان انجام داده‌اند.

براساس گزارش رسانه‌های پاکستانی، عالمان دینی ایالت خیبرپختون‌خواه با صدور فتوایی، برداشتن اسلحه علیه اردو و پولیس پاکستان را حرام اعلام کرده‌اند. خبرگزاری جیو گزارش داده است که این عالمان دین روز دوشنبه، ۹ جنوری، در فتوایی گفته‌اند که براساس «شریعت» اسلام حمله بر قوای مسلح این کشور «حرام» و ناروا است. طبق گزارش جیو، این فتوا توسط عالمان دینی از مدارس مختلف این کشور از جمله دارالعلوم پشاور، جمعیت دارالعلوم حقانیه و سازمان مدارس پاکستان صادر شده است. براساس فتوای عالمان خیبرپختون‌خواه، جنگ علیه اردو و پولیس پاکستان مخالف

دبیر بخش ویدیو: نصیر کاوشگر  
خبرنگار ارشد: امین کاوه  
ویراستاران: محمدعلی نظری، مقیم مهران  
صفحه آرایی: رضا مرادی  
پذیرش مقالات: Info@8am.media  
پذیرش اعلان: ۰۷۰۰۱۷۵۵۱۰ - ۰۷۸۸۷۸۸۷۹۹  
نشانی پستی: صندوق پستی ۰۳۸-۰۲۵، پسته‌خانه مرکزی، کابل، افغانستان  
۸ صبح نوشته‌ها را ویرایش می‌کند. سرمقاله بازتاب‌دهنده‌ی دیدگاه ۸ صبح است. سایر دیدگاه‌های مطرح‌شده در مقاله‌ها، به نویسندگان آن برمی‌گردد.



صاحب امتیاز: سنجر سهیل  
مدیرمسئول: محمد محقق  
سردبیر: حسیب بهش  
مسئول افغانستان: شاحسین رسولی  
تحلیل‌گران: یونس نگاه، ابومسلم خراسانی و علی سجاد مولایی  
دبیر گزارش‌ها: فهیم امین

**Publisher:**  
Sanjar Sohail, Sanjar.sohail@8am.media  
**Editor-in-Chief:**  
Mohammad Moheq  
Mohammad.moheq@8am.media  
Facebook.com/8am.media  
Youtube.com/Hashtesubhdaily  
Twitter.com/@Hashtesubhdaily  
instagram.com/8am.media\_official  
www.8am.media

بربنیاد گزارش‌ها، زمین لرزه‌ای با شدت ۷.۷ درجه ریشتر بخش‌هایی از اندونیزیا را لرزاند. رویترز دوشنبه‌شب، ۹ جنوری، به نقل از مرکز زلزله‌نگاری بخش مدیریت اروپا (EMSC) گزارش داده که این زلزله، منطقه تانینبار در اندونیزیا را لرزاند. در گزارش آمده که این زمین لرزه در عمق ۹۷ کیلومتری زمین رخ داده است. در گزارش از تلفات این زمین لرزه چیزی گفته نشده است. گفتنی است که چندی پیش نیز از اثر یک زمین لرزه در جزیره جاوه اندونیزیا، دست کم ۳۱۰ تن جان باختند.

## کمک بیش از هشت میلیارد دلاری کشورها و سازمان‌های کمک‌کننده به پاکستان



بربنیاد گزارش‌ها، پاکستان اعلام کرده است که کشورها و سازمان‌های کمک‌کننده در نشست جینوا، تعهد کرده‌اند که این کشور را هشت میلیارد دلار کمک کنند. فواد چوهدری، وزیر اطلاعات پاکستان، روز دوشنبه، ۱۹ جدی، در توییتی نگاشته که تاکنون ۸.۵۷ میلیارد دلار کمک در این نشست به پاکستان تعهد شده است. به گفته او، بانک توسعه اسلامی با ۴.۲ میلیارد دلار، بیشترین سهم را در این کمک‌ها دارد. بانک جهانی با تعهد دو میلیارد و بانک انکشاف آسیایی با تعهد ۱.۵ میلیارد دلار در جایگاه دوم و سوم، در جمع بزرگ‌ترین کمک‌کننده‌ها قرار دارند و و باقی این پول را کشورهایمانند آمریکا، جاپان، چین، آلمان و فرانسه تعهد کرده‌اند. این در حالی است که شهپاز شریف، نخست‌وزیر پاکستان، در این نشست خواهان کمک ۱۶ میلیارد دلاری شده بود.

گفتنی است که سازمان ملل متحد نشستی را برای جمع‌آوری کمک به پاکستان سیلاب‌زده برگزار کرده است.

سیلاب ماه سپتامبر سال گذشته میلادی در پاکستان، دست کم جان ۱۷۰۰ تن را گرفت و حدود ۸ میلیون تن را آواره کرد.

## سفر رییس ارتش پاکستان به کشورهای حاشیه خلیج فارس؛ عاصم با بن سلمان دیدار کرد

رییس ستاد ارتش پاکستان در نخستین سفر خارجی‌اش پس از انتصاب در این سمت، به عربستان سعودی و امارات متحده عربی رفت. داون، از رسانه‌های پاکستانی، گزارش داده که منیر عاصم، رییس ستاد ارتش این کشور، روز دوشنبه، ۹ جنوری، با محمد بن سلمان، ولیعهد عربستان سعودی، در شهر الوالی مدینه دیدار کرده است. به گفته داون، منیر در دیدار با ولیعهد سعودی روی بهبود روابط دوجانبه گفت‌وگو کرده است. بربنیاد معلومات نشر شده، در دیدار ولیعهد سعودی با رییس ارتش پاکستان وزیر دفاع و مشاور امنیت ملی عربستان سعودی نیز حضور داشته‌اند. گفتنی است که پیش از این رییس ستاد ارتش پاکستان در دیدار با خالد بن سلمان، وزیر دفاع عربستان سعودی، روی تقویت همکاری‌های نظامی گفت‌وگو کرده است.



## افزایش مانورهای نظامی چین در اطراف تایوان؛ دومین رزمایش در کمتر از یک ماه برگزار شد



رسانه‌های بین‌المللی از دومین مانور نظامی چین در کمتر از یک ماه گذشته در اطراف جزیره تایوان خبر داده‌اند. الجزیره روز دوشنبه، ۹ جنوری، به نقل از ارتش چین گزارش داده که این مانور روی حملات زمینی و دریایی متمرکز بوده است. ارتش چین اعلام کرده که در کمتر از یک ماه اخیر این دومین مانور نظامی در اطراف تایوان است. شی یی، سخنگوی فرماندهی شرقی ارتش آزادی‌بخش خلق چین گفته است: «هدف از این رزمایش، آزمایش توانایی‌های رزمی مشترک و مقابله قاطعانه با اقدامات تحریک‌آمیز نیروهای خارجی و جدایی‌طلبان تایوان بود.» در همین حال، دفتر ریاست جمهوری تایوان ضمن

محکوم کردن مانورهای اخیر ارتش چین گفته که تأمین صلح و ثبات در تنگه تایوان و منطقه مسوولیت مشترک دو کشور است. وزارت دفاع تایوان نیز روز دوشنبه با تأکید بر دفاع قاطعانه از حاکمیت و امنیت این کشور گفت که در ۲۴ ساعت گذشته ۵۷ هواپیما و ۴ کشتی چینی را در اطراف جزیره تایوان شناسایی کرده‌اند. این وزارت همچنان گفته که ۲۸ هواپیمای چینی در منطقه شناسایی پدافند هوایی در جنوب غربی تایوان و دو بمبافکن H-6 در جنوب این کشور پرواز کرده‌اند. چین در اواخر ماه گذشته میلادی نیز مانورهایی را در اطراف جزیره تایوان انجام داد.

## بیش از هفت هزار پرستار در شهر نیویارک دست به اعتصاب زدند

جنوری، در بیانیه‌ای اعلام کرد که بیش از هفت هزار پرستار در مرکز پزشکی مونتفیوره در برانکس و شفاخانه کوهسینا در منهتن اعتصاب کرده‌اند. این پرستاران در خارج از هر دو شفاخانه تجمع کرده و در حمایت از استخدام پرستاران بیشتر و دست‌مزد بهتر، شعار دادند. شفاخانه‌ها روز دوشنبه در بیانیه‌های جداگانه اعلام کردند که افزایش دست‌مزد ۱۹.۱ درصدی را به پرستاران پیشنهاد کرده‌اند. همه‌گیری کرونا همراه با شیوع امراض تنفسی و فصلی آنفولانزای امسال، بر بخش مراقبت‌های صحی در پرجمعیت‌ترین شهر آمریکا فشار وارد کرده و تنش‌هایی را بین پرستاران و کارفرمایان آن‌ها ایجاد کرده است.



## حکومت ایران سه تن دیگر را نیز به اعدام محکوم کرد



در ادامه محکومیت‌ها در پیوند به اعتراض‌های اخیر در ایران، قوه قضاییه این کشور سه تن دیگر را نیز به اتهام دست داشتن در قتل سه مأمور امنیتی به اعدام محکوم کرده است. قوه قضاییه ایران روز دوشنبه، ۹ جنوری، در خبرنامه‌ای گفته که صالح میرهاشمی بلطاقی، مجید کاظمی شیخ شبانی و سعید یعقوبی کردسلفی، هر سه به اتهام «محرابه» به اعدام محکوم شده‌اند. میزان، خبرگزاری مربوط به قوه قضاییه ایران گفته است که احکام صادر شده بر این افراد، اولیه بوده و محکومان می‌توانند استیناف طلب شوند. همچنان افزوده شده است که امیرنصر آزادانی، فوتبالی ایرانی، به دلیل چندین مورد اتهام به زندان محکوم شده است. این در حالی است که چند روز پیش حکومت ایران محمدمهدی کرمی و محمد حسینی، دو تن از

## کین کانگ در نخستین سفر خارجی‌اش به‌عنوان وزیر خارجه چین به افریقا رفت

کین کانگ، نخستین سفر خارجی‌اش به‌عنوان وزیر خارجه جدید چین را با دیدار یک هفته‌ای از چند کشور افریقایی آغاز کرد. وزیر خارجه جدید چین که روز دوشنبه، ۹ جنوری، سفرش را آغاز کرد، قرار است تا ۱۶ جنوری از مصر، ایتوپیا، گابون، انگولا و بنین دیدار کند. وانگ ون‌بین، سخنگوی وزارت خارجه چین، در این مورد گفت: «این سفر نشان می‌دهد که چین اهمیت زیادی به دوستی سنتی و توسعه روابط خود با افریقا قابل است.» چین در چارچوب پروژه بزرگ راه و کمربند، سرمایه‌گذاری هنگفتی را روی پروژه‌های زیربنایی مانند راه‌آهن و بنادر دریایی در قاره افریقا انجام داده است. گسترش نفوذ چین به افریقا، آمریکا و فرانسه، قدرت استعماری پیشین در افریقا را نیز ترغیب کرده است که بر حضورشان در این قاره بیشتر تمرکز کنند. کین کانگ که از مدتی به این‌سو به عنوان سفر چین در آمریکا کار می‌کرد، چندی پیش به‌عنوان وزیر خارجه جدید این کشور معرفی شد.



## روحانیان قم در اعتراض به نشر کاریکاتورهای علی خامنه‌ای در نشریه فرانسوی لباس رزم پوشیدند

براساس گزارش‌ها، در پی انتشار کاریکاتورهایی از علی خامنه‌ای، رهبر جمهوری اسلامی ایران، در نشریه طنز شارلی ابدوی فرانسه، گروهی از طلاب و روحانیان قم در یک تجمع اعتراضی لباس رزم پوشیده‌اند. گفته می‌شود که در روز دوشنبه، ۹ دسامبر، حوزه علمیه قم هم به دلیل برگزاری این تجمع تعطیل شده است. روحانیان انتشار کاریکاتورهای رهبر مذهبی ایران را «توهین به مرجعیت و مقام رهبری» خوانده‌اند. در همین حال، احمد خاتمی، امام جمعه موقت تهران و عضو هیات رئیسه مجلس خبرگان، در جریان سخنرانی‌اش در این تجمع گفته است که او و شرکت‌کننده‌گان در این تجمع همچنان مرید رهبر ایران هستند. این در حالی است که پیش از این نشریه فرانسوی شارلی ابدو کاریکاتورهایی از علی خامنه‌ای را نشر کرده بود.

